



۲۰۱۴/۳/۱۸



جلیل غنی

به پیشواز نوروز باستان



همایون بایدت این روز و همه روز
که بینی بلبلان را ناله و سوز
برادر جز نیکو نامی میندوز
مبّر فرمان بدگوئی و بد آوز

مبارک بادت این سال و همه سال
بهاری خُرم است ای گل کجائی
جهان بی ما بسی بوده است و باشد
نیکوئی کن که دولت بینی از بخت

« شیخ اجل حضرت سعدی »

بهار و سال نو و نوروز باستان را به همه نو روزیان و آنانیکه این روز خجسته تاریخی را تجلیل و گرامی می دارند تبریک و تهنیت می گوئیم.

بهار را با همه زیبایی ها و طراوتش خیر مقدم می گوئیم و این سال را به امید اینکه سال پیام آور صلح و ثبات و آرامش و همزیستی و برادری بجای برادر کشی و عداوت باشد، آغاز می کنیم.

اما خاستگاه نوروز کجاست و از این روز در درازنای تاریخ چگونه تجلیل به عمل آمده است. هر ملت و کشوری روزی را برای آغاز سال نو، به دلایلی که نزد خود شان وجود دارد، بر گزیده اند. عیسویان اول جنوری را که تداوم عید میلاد مسیح است، روز آغاز سال نو انتخاب کرده اند. تا چند قرن پیش انگلیس ها همان بیست و یکم مارچ را که مصادف به اول حمل و نو روز می شود، روز آغاز سال جدید می دانستند و حالا جهان مسیحیت روز بیست و یکم مارچ مصادف به اول حمل را روز آغاز بهار می دانند. عرب ها اول مُحرم را آغاز سال نو می دانند چنانچه حضرت "بیدل" اشاره تلمیحی به این روز دارد:

جهان خونریز بنیاد، است هشیار
سر سال از مُحرم آفریدند

چینائی ها و ویتنامی ها و سایر ملل روز های متفاوتی را بحیث آغاز سال شان تعیین کرده اند. زنده یاد داکتر عبدالاحمد جاوید در رساله ای تحت عنوان «نوروز خوش آنین» تحقیقات علمی در مورد نوروز آریائیان از اعصار قدیم تا کنون نگاشته که پیشینه نوروز را در سرزمین ما و خطه ماحول آن تفصیل می دهد. به قرار تحقیق استاد جاوید آریایی ها سال را به دو فصل گرما هفت ماه، و فصل سرما پنج ماه، تقسیم می کردند و هر دو را تجلیل می نمودند.

در تقویم اوستائی سال به دوازده ماه و هر ماه سی روز سنجش شده است. از نوروز در ایران زمین امروزی در عهد هخامنشیان تجلیل می شد.

در دو کتیبه دوره کوشانی ها از جشن نوروزی ذکر شده است. کوشانی ها، که قلمرو شان از آمودریا تا دریای سند بسط داشت، از سلاله های معروف آسیای میانه است که پایتخت تابستانی آنها کاپیسا نزدیک کابل و زمستانی شان در

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

تکسیلا در پاکستان امروزی بود. در آن روزگاران، اغلب این مراسم تجلیل، در معابد برگزار می شد که این معابد کوشانی ها در افغانستان با مرور زمان از بین رفته است.

داکتر جاوید درین رساله در باره طرق بزرگداشت از نوروز و نحوه تجلیل از این روز می نگارد: «نخستین باری که نوروز در دوره اسلام شکوه و بزرگی خود را بدست آورد، دوره اول عصر عباسی بود. درین دوره نه تنها ایرانیان آنرا به آئین باستانی عید گرفتند بلکه از جشن های عمومی به شمار می رفت و خلفا آنرا عید رسمی شمردند» به موجب اسنادی که بدست آمده هدیه دادن و تبریک گفتن از آئین برگزاری نوروز بوده است. کلمه نوروز در عربی «نیروز» است و جمع آن «نیاریز» و در عربی به معنی مطلق عید بکار می رود. در ماوراء النهر، به قول عوفی در لباب الالباب «آن روز که خورشید به حوت آید همان روز لکلک به همان دیار آید و خلق در رسیدن او شادی می کنند و او را مبشر قدم بهار خوانند.

بشارت آرد از نوروز، ما را هر زمان لکلک
کند غمگین دل ما، زان بشارت شادمان لکلک

شب نوروز شب عیش و نشاط در سمرقند بوده است چنانچه همایون شاه پادشاه سمرقند گفته است:

هر چه داری شب نو روز همی ساز گرو
غم روزی چه خوری روز نو و روزی نو

در روزگار غزنویان نوروز با روز نخستین سال به نقطه اعتدال ربیعی قرار گرفت به عبارت دیگر جشن بهار با عید نو روز یکجا شد و فرخی درین بیت اشاره ای به جشن نو روز در ماه فروردین (حمل) دارد:

ازین فرخنده فروردین و خرم جشن نوروزی
نصیب خسرو عادل سعادت باد و پیروزی

استاد جاوید می نگارد: «تجلیل و بزرگداشتی که از نوروز و سایر جشن های ملی دیگر ما در عهد غزنویان و غوریان صورت گرفته در هیچ دوره ای از دوره های تاریخی و ادبی این حوزه بزرگ فرهنگی دیده نمی شود. سخنان شیوا و قصائد غرای شعری چون فرخی، عنصری، مختاری، منوچهری، مسعود سعد سلمان و متون تاریخی مانند بیهقی و ... شاهد راستین این مدعای ماست»

به رویت اسناد تاریخی که استاد جاوید بر آن استناد کرده است جلال الدین ملکشاہ سلجوقی (۴۵۸) شمسی مطابق رمضان ۴۷۱ برابر سال ۱۰۷۹ میلادی که فروردین ماه با سال نو برابر افتاد، شاه عده ای از منجمان را مؤظف کرد تا تقویم شمسی را ترتیب دهند. به همت منجمان و ریاضی دانانی چون ابوالمظفر اسفزاری هروی، عمر خیام، ابوالحسن لوگری و عبدالرحمن خازنی، به اساس محاسبات نجومی آغاز سال در نقطه اعتدال ربیعی بطور دائم و ثابت قرار گرفت و نوروز اول سال و سر آغاز فصل بهار شد و یکی از طبیعی ترین و سرفراز ترین اعیاد جهان. از همین لحاظ است که تقویم ما را تقویم جلالی می نامند چنانچه سعدی گوید:

اول اردیبهشت ماه جلالی
بلبل گوینده بر منابر قضبان
بر گل سرخ، از نم افتاده لالی
همچو عرق بر عذار شاهد غضبان

حافظ گوید:

می اندر مجلس آصف، به نوروز جلالی نوش
که بخشد جرعه جامت، جهان را ساز نوروزی

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

روایت است که حضرت علی کرم الله وجهه در همین روز بر سریر خلافت نشست و همچنان کشتی نوح از طوفان بلا جُست و بر کوه جودی نشست، یا روزی است که حضرت سلیمان انگشتری خود را باز یافت و یا روزی است که در آن خلقت عالم پایان یافت. این روایات نه تنها نوروز را عزیز کرد بلکه بر بقا و دوام آن افزود. روی همین بنیاد های مذهبی است که همه ساله در نوروز جهنده شاه ولایت مآب برافراشته می گردد و برای چهل روز میله های گل سرخ در مزار شریف دوام دارد.

هفت سین و نوروز:

لفظ هفت در ادب و فرهنگ ما از زمانه های قدیم تا کنون جایگاه خاصی داشته است و چه از لحاظ مذهبی و چه عرفی یک نوع تقدس دارد مثلاً:

- ❖ خلقت زمین و کائنات در هفت روز،
- ❖ هفت آسمان،
- ❖ هفت روز هفته،
- ❖ و از لحاظ فرهنگ عامیانه، هفت کوه سیاه در میان،
- ❖ هفت قاضی کور،
- ❖ هفت بار شستن دهن و نام کسی را گرفتن،
- ❖ هفت قلم آرایش زنان.

در ادبیات دری مکرر از عدد هفت یاد شده چنانچه مولانای بلخ گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم

و اما اینکه هفت سین چگونه وارد این مراسم شده کدام سند تأریخی وجود ندارد. ابو ریحان بیرونی در کتاب معروف خود آثار الباقیه می گوید: «در روز نوروز در کنار خانه هفت صنف از غلات بر هفت استوانه بکارند اما به حرف اول غله ها اشاره نکرده است. و شاید با گذشت زمان این هفت نوع غله به هفت سین تبدیل شده باشد چون یافتن هفت نوع غله ای که با حرف سین آغاز یافته باشد، مشکل است.

سمنک:

یکی دیگر از مراسم و آئین های نوروزی تهیه سمنک است که به عقیده عام نه تنها نذر برآورده شدن حاجت است بلکه خیر و برکت می آورد. در فرهنگ عامیانه هنگام تهیه کردن سمنک زنان و دختران با جامه پاک دور هم جمع می شوند و این ترانه را هنگام تهیه سمنک به شکل گروهی می خوانند:

سمنک پیک بهار است
میله شب زنده دار است
این خوشی سال یکبار است

سال دیگر یا نصیب

آرزو امشب خروشد
سمنک در خود بجوشد
دل خوش جامه بپوشد

سال دیگر یا نصیب

بدین ترتیب دیده می شود که خاستگاه نوروز منطقه ای بوده است که در آن افغانستان، ایران امروزی و پاکستان امروزی قرار دارد و این روز خجسته و باستانی مال و انحصار ملیت بخصوصی نه، بلکه یکی از آئین و رسوم فرهنگ کهن و باستانی مشترکی است که همین خطه طی هزاران سال گذشته بدان منسوب بوده است. بدبختانه با دسایس دشمنان فرهنگ و هویت ملی، چنان تبلیغ گردیده که این روز مخصوص آئین زردشتیان و پیروان این دین و آئین

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

بوده است و به نحوی از انحنای بروی ملحوظات خاص سیاسی و مذهبی و قومی و نژادی سعی گردیده بود تا از نوروز نه برای گردهم آوردن و نزدیک ساختن مردم، اقوام و تبارهای مختلف استفاده گردد بلکه برای تفرقه انداختن و نا بود ساختن هویت فرهنگی افغانها، به حیث یک ملت واحد و متفق، از طرف دشمنان فرهنگ و هویت ملی بکار برده شده بود. خوشبختانه ملت با شعور و با فرهنگ افغانستان با تجلیل هرچه با شکوه تر از این روز جواب دندان شکن به دشمنان فرهنگ اصیل افغانی داده است و امسال از این روز با جلال و شکوه خاص با اشتراک کشورهای ایران و تاجکستان و نمایندگان کشورهای دوست در شهرک زیبای پغمان کابل با مراسم خاص و مجلل تجلیل بعمل می آید و بار دیگر ملت افغانستان عظمت و قدامت فرهنگی را به نمایش می گذارد که تاریخ درخشان آن ثبت کرده است.

«ابر نوروزی» از زنده یاد جوانمرگ قهار عاصی هدیه نوروزی است:

از جلگه نور و علف، از چشمه ساران آمدی
ای ابر نوروزی من، لبریز باران آمدی
از عشق و ابریشم بمن، سوغات محمل بسته ای
با کاروانی یک قلم، سبز و بهاران آمدی
نام خدا، زین آمدن، ای کوتلی، ای تهمتن
مثل نسیم رحمتی، بر کشت زاران آمدی
برگ و نوا جادوگری، حال و هوا جادوگری
واه! ای صنوبر قامت، آشوب دوران آمدی
در خواب های شکرین، فواره می دیدم ترا
گل داد تعبیری چنان، که آبشاران آمدی

پایان

درین نوشته از رساله زنده یاد استاد جاوید تحت عنوان «نوروز خوش آئین»^۱ استفاده گردید. یاد آن استاد دانشمند و فرهنگی بزرگ که کمبود او همیشه احساس میشود گرامی باد.

۱- نوروز خوش آئین، تألیف اکادمیسین داکتر احمد جاوید، چاپ جنوری ۱۹۹۹ میلادی (جی ۱۲۷۸ شمسی) انتشارات بامیان انجمن فرهنگ افغانستان شهر لیموز فرانسه.

د پانوی شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ